

دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا؛ اهداف و چشم‌اندازها

امیر فاطمی صدر*

ناصر حکمت‌نژاد**

چکیده

هدف از نگارش این مقاله شناسایی و معرفی شیوه‌های دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپاست. کشورهای عضو اتحادیه اروپا با پی‌بردن به این واقعیت که، با اهمیت یافتن قدرت افکار عمومی در قرن بیست‌ویکم، استفاده از قدرت سخت مشروعیت پیشین خود را در پیش‌برد اهداف سیاست خارجی از دست داده است، درصدد آن‌اند که با بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی بتوانند با ارتقای قدرت نرم، به مشروعیت حاصل از اقناع (persuasion) و توجیه (justification) افکار عمومی مبادرت ورزند. اتحادیه اروپا با سرمایه‌گذاری در قدرت نرم فرهنگی توانسته است هنجارها و ارزش‌های خود را جهانی کند، هزینه‌ها را در کسب اهداف سیاست خارجی به حداقل برساند، و موجبات انسجام‌بخشی و هم‌گرایی داخلی را نیز فراهم آورد. در این مقاله سعی شده است با طرح این سؤال اصلی که «تأثیر دیپلماسی فرهنگی در سیاست هم‌گرایی اتحادیه اروپا چگونه است؟» این فرضیه ثابت شود که دیپلماسی فرهنگی نه تنها موجب تقویت سیاست هم‌گرایی اروپایی شده است، بلکه به هنجارسازی و جهانی‌سازی ارزش‌های اروپایی نیز کمک کرده است. در این مقاله دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا به‌منزله متغیر مستقل و سیاست هم‌گرایی اروپایی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، اتحادیه اروپا، دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم، هم‌گرایی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت

امورخارج (نویسنده مسئول)، a.fatemisadr@gmail.com

** دانشجوی مقطع دکتری رشته مطالعات اروپا، دانشگاه تهران، Hekmat11@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۰

۱. مقدمه

نگاه جدی به فرهنگ در حوزه سیاست خارجی محصول سال‌های پایانی جنگ سرد است. گرچه مکتب موسوم به رئالیسم، که سه دهه بر نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل سایه افکنده بود، یکی از دلایل غفلت از فرهنگ و پرداختن به تأثیر آن در روابط بین‌الملل است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۶)، اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فرهنگ از ابزاری در خدمت سیاست خارجی (فرهنگ قدرت) به منبعی برای تولید قدرت در عرصه روابط خارجی (قدرت فرهنگ) تبدیل شده است (افتخاری، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

براساس این تغییر، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت نیز دست‌خوش تعدیل و دگرگونی شد و مفاهیمی مانند اقتناع و توجیه افکار عمومی جایگاه بالاتری در ساحت‌های اقتصادی، نظامی، و فناوری اطلاعاتی به دست آورد. امروزه، دولت و ملتی می‌تواند واجد قدرت باشد که بر اذهان و قلوب مردمان مسلط باشد و تعریفی از سیاست و آینده نظام بین‌الملل ارائه کند که مورد پذیرش جهانیان قرار گیرد. این تعریف، که در نهایت شکل‌دهنده ساختارهای هنجاری دنیای فردا خواهد بود، بدون شک از بنیان‌های فرهنگی - هویتی یک ملت ریشه خواهد گرفت. بنابراین، هر ملتی که واجد عناصر هویتی قوی‌تری باشد، به صورت بالقوه، پتانسیل بیش‌تری برای توسعه دیدگاه خود و مدیریت نظم آینده جهانی خواهد داشت.

دولت‌ها در این زمینه و برای سیطره‌بخشیدن به دیدگاه، منش، و تفسیر خود از نظم جهانی به ابزارها و شیوه‌های متعددی متوسل می‌شوند که گستره‌ای شامل تولید ادبیات و نظریه‌های سیاسی، کاربست شیوه‌های گوناگون دیپلماسی عمومی، استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی و رسانه‌ای، و ... را دربرمی‌گیرد. یکی از همین شیوه‌های مطلوب و مشروع استفاده از دیپلماسی فرهنگی است. دیپلماسی فرهنگی رویکردی چندوجهی است (Marta Ryniejska, 2003) که به تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر، و دیگر وجوه فرهنگ بین ملت‌ها و افراد اشاره دارد و هدف آن سرعت‌بخشیدن به فهم دوطرفه از یک‌دیگر است. دیپلماسی فرهنگی، که در آن یک ملت تمام تلاشش را صرف ارتقای زبان و توضیح سیاست‌ها و چشم‌اندازهای خود به سایر جهان می‌کند، معنایی فراتر از یک جاده یک‌طرفه یا تبادلات دوطرفه پیدا می‌کند (Cumings, 2009). در ساده‌ترین تعریف، دیپلماسی فرهنگی به معرفی و شناساندن مؤلفه‌ها و عناصر شاخص هویتی یک ملت به دیگران تعبیر می‌شود. این نوع از دیپلماسی خود نیز به شیوه‌ها و روش‌های متنوعی تقسیم می‌شود که از فعالیت‌های به‌ظاهر کوچکی مانند برپایی نمایشگاه و انتشار کتاب تا تبادل هیئت‌های علمی و مدنی بین دو ملت را شامل

می‌شود. برای برخی دولت‌ها دیپلماسی فرهنگی نقش حمایتی از حاکمیت فرهنگی را بازی می‌کند. مثلاً، کانادا از فعالیت‌های بین‌المللی برای صنایع فرهنگی داخلی خود حمایت می‌کند و در جست‌وجوی حفظ جایگاهش در شبکه تجارت آزاد چندجانبه است. دیپلماسی فرهنگی کبک (Québec) نیز برای مقاومت در برابر تهدید حکومت فدرالی کانادا در جهت حفظ حاکمیت فرهنگ خود حرکت می‌کند (Mark, 2005). دیپلماسی فرهنگی برای برخی دولت‌ها نیز به‌منزله ظرفیت بالقوه‌ای در افزایش قدرت نرم و ارتقای مشروعیت بین‌المللی نگریسته می‌شود؛ چنان‌که اتحادیه اروپا به‌خوبی توانسته است از این حوزه برای انسجام‌بخشی به سیاست‌های هم‌گرایی داخلی استفاده کند و نیز از آن به‌عنوان ستون قدرت نرم در پیش‌برد منویات سیاست خارجی خود بهره‌گیرد.

تا پیش از انعقاد معاهده ماستریخت در ۱۹۹۲، جامعه اروپایی رویکرد منسجمی درخصوص مسائل فرهنگی در چهارچوب هم‌گرایی اروپایی نداشت. با وجود این، گه‌گاه برنامه‌هایی با عنوان فعالیت‌های ابتکاری - فرهنگی این نهاد ارائه می‌شد. با لازم‌الاجرا شدن پیمان ماستریخت در اول نوامبر ۱۹۹۳ و ذکر عنوان «سامان‌دهی همکاری‌های فرهنگی و ضرورت شکوفایی فرهنگ دولت‌های عضو جامعه اروپایی» در ماده سه این پیمان فصل جدیدی از سیاست‌های فرهنگی در برابر کشورهای عضو این مجموعه گشوده شد. همچنین، رفته‌رفته نوعی گرایش به سمت روابط صمیمانه‌تر بین ملت‌های اروپایی شکل گرفت که تبلور آن را در رکن سوم این معاهده با عنوان «مسائل شهروندان و تدابیر داخلی» می‌توان مشاهده کرد (حقیقی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

با اختصاص ماده ۱۲۸ معاهده ماستریخت به مسائل فرهنگی، این رویکرد در حکم هدفی شناخته‌شده با پشتوانه حقوقی معتبر از جایگاه مناسبی در بین سایر موضوعات در جامعه اروپایی برخوردار شد. پس از آن، این ماده دوباره به همان صورت در بند ۱۵۱ معاهده آمستردام در ۱۹۹۷ گنجانده شد (همان). این ماده اشعار می‌دارد: «اتحادیه اروپا ضمن احترام به تنوع فرهنگی موجود در اتحادیه، به‌سمت ایجاد یک میراث مشترک فرهنگی حرکت کند».

باید تأکید کرد که «توجه به فرهنگ» صرفاً به‌معنای ابزار مشروعیت‌آفرین برای تحکیم اتحادیه نیست. توضیح آن‌که تمام نظام‌های سیاسی و به‌طور خاص انواع دموکراتیک آن به‌دنبال به‌دست‌آوردن مشروعیت‌اند. با هدف کسب مشروعیت، نهادهای سیاسی باید رضایت شهروندان خود را برای حکومت بر آن‌ها به‌دست آورند. همان‌طور که استفن کالبرگ (S. Calberg) بیان می‌کند: کسب اعتماد شهروندان جدید و مدرن به احساس تعلق

مردم به اجتماع سیاسی بستگی دارد (Shore, 2006: 10). این مسئله حاکی از آن است که اگر یک نهاد سیاسی به دنبال مشروعیت سیاسی است، باید در متجانس کردن هویت‌های سیاسی و فرهنگی به‌طور هم‌زمان اقدام کند. بی‌توجهی به این اقدام می‌تواند از موانع اصلی پیشرفت هم‌گرایی در اتحادیه باشد (Gellner, 1983: 86).

نباید از کارکرد فرهنگ سوءاستفاده شود و به آن فقط به‌منزله منبع مشروعیت‌بخش به اتحادیه نگریسته شود؛ زیرا در این صورت، موجودیت فرهنگ‌های محلی به‌مخاطره خواهد افتاد. به‌همین سبب، ماده ۱۵۱ با افزودن عبارت «ضمن احترام به تنوع فرهنگی موجود» به عبارت «ایجاد یک میراث فرهنگی مشترک» فقط در نقش عامل مشروعیت‌بخش به فرهنگ نگاه نمی‌کند که به دنبال یک‌سان‌سازی از بالا و نابودی فرهنگ‌های محلی است، بلکه از تنوع فرهنگ‌ها در حکم محصولی از فعالیت انسانی حفاظت می‌کند. معنای این عبارت این نیست که اتحادیه نمی‌تواند به ایجاد فرهنگ و هویتی مشترک با به‌هم‌چسباندن نقاط مشترک فرهنگ‌های فعلی، بدون برانگیختن حساسیت‌های آن‌ها، دست زند؛ به عبارت روشن‌تر، این ویژگی ایجاب می‌کند رویکردی تلفیقی شکل گیرد که با عنوان «اتحاد در عین تنوع» (unity in diversity) مبنای مناسبی برای شکل‌دهی به سیاست‌های فرهنگی اتحادیه اروپا قلمداد شود. این دیدگاه، بدون این‌که تلاشی در جهت یک‌سان‌سازی فرهنگی در اتحادیه قلمداد شود، ماهیتی محاوره‌ای بین فرهنگ‌های فعلی دارد و سعی می‌کند ضمن احترام به تنوع فرهنگی، نقاط اشتراک آن‌ها را به هم متصل کند (Derrida, 1991; Habermas, 1992). بر همین مبنای جوزف ویلر (G. Weiler)، متخصص قانون اساسی اروپا، معتقد است که اتحادیه اروپا به دنبال نوع خاصی از مردم با هویت یک‌سان همانند دولت‌های فدرال (نظیر ایالات متحده آمریکا) نیست، بلکه قصد دارد اتحادیه‌ای را مرکب از مردمی با فرهنگ‌های متنوع فعلی در قاره، با پل‌زدن بین نقاط اشتراک برای نزدیکی هرچه بیشتر، ایجاد کند (Weiler, 1999: 327).

۲. کارگزاران فرهنگی اتحادیه اروپا

هم‌اکنون چهار نهاد عمده اروپایی شامل شورای وزیران، پارلمان اروپایی، کمیسیون اروپا، و شورای اروپا متکفل اجرای دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا هستند. پارلمان اروپا از طریق «کمیسیون فرهنگ و آموزش» سیاست‌های فرهنگی خود را به‌پیش می‌برد. این کمیسیون، مطابق تعریف اتحادیه اروپا، فعالیت‌های خود را در سه حوزه دفاع از تنوع فرهنگی و زبانی، محافظت از میراث مشترک فرهنگی اروپایی و اصلاح شناخت ملت‌ها، و اشاعه

فرهنگ سامان داده است. کمیسیون اروپایی، که از تشکیلات اداری و سلسله‌مراتب وسیعی برخوردار است، به‌مثابه بازوی اجرایی اتحادیه در بسیاری از برنامه‌های فرهنگی حضوری پررنگ دارد. مثلاً مسئولیت اجرای برنامه‌های جامع فرهنگ ۲۰۰۰، ۲۰۰۷، و پایتخت فرهنگی اروپایی مستقیماً بر عهده کمیسیون نهاده شده است. انتشار فراخوان‌های طرح‌های اولیه و دریافت، بررسی، و انتخاب پروژه‌ها در کمیته‌هایی متشکل از کارشناسان و متخصصان خبره فرهنگی کشورهای عضو تحت نظارت کمیسیون انجام می‌شود. انتخاب هیئت‌های داور، ارزش‌یابی پروژه‌های ابتکاری، و اعطای پاداش به پروژه‌های موفق نیز در چهارچوب تشکیلاتی این نهاد صورت می‌پذیرد (همان: ۱۸۶).

تصمیمات گرفته‌شده مشترک پارلمان و شورای اروپایی از طریق کمیسیون منتشر می‌شود و در اختیار دولت‌ها و شهروندان اروپایی قرار می‌گیرد. در واقع، این نهاد راه ارتباطی اتحادیه با شهروندان است. شورای اروپایی نیز در رأس تصمیم‌گیری‌های کلان فرهنگی اتحادیه قرار دارد. تمامی سیاست‌گذاری‌های این شورا با توافق پارلمان در قالب تصمیمات اتخاذی مشترک به کمیسیون ابلاغ می‌شود. هم‌چنین، نهاد مستقلی با عنوان «بخش آموزش، جوانان، و فرهنگ» در این زمینه زیر نظر شورای اروپایی فعالیت دارد و مشغول تدوین سیاست‌های راه‌بردی در این سه حوزه است. شورای وزیران نیز در پاره‌ای از موارد مستقیماً در عرصه مسائل فرهنگی پیش‌قدم شده است. مثلاً برنامه کالدوسکوپ در ۱۹۹۶ از سوی اعضای این شورا و با همکاری پارلمان تصویب شد. طرح اولیه «شهر فرهنگی» اروپا در ۱۹۸۵ نیز از سوی شورای وزیران ارائه شد که بعداً با تصمیم مشترک پارلمان و شورای اروپایی در ۱۹۹۹ به «پایتخت فرهنگی» اروپا تغییر نام داد (همان: ۱۸۸). دیپلماسی فرهنگی این نهادها در هدف‌گذاری مشخصی در سه دستورکار کلی قرار می‌گیرد:

۱.۲ دستورکار اتحادیه اروپا برای فرهنگ

از سال ۲۰۰۷ و مطابق طرح کمیسیون اتحادیه اروپا، مقامات ملی بخش‌های فرهنگی و سایر مؤسسات اتحادیه اروپایی را به مشارکت در این سه طرح کلی تشویق کرده است:

۱. گفت‌وگو و تنوع فرهنگی؛
۲. فرهنگ به‌منزله عاملی تسهیل‌بخش در حوزه خلاقیت و نوآوری؛
۳. فرهنگ به‌منزله بخشی عمده در روابط خارجی اتحادیه اروپا.

۲.۲ همکاری با مقامات محلی

همکاری با مقامات محلی قسمتی از دستورکار اتحادیه اروپا برای فرهنگ است. مقامات ملی در برنامه‌ای که اصطلاحاً شیوه آشکار هماهنگی (Open Method of Coordination/ OMC) نامیده می‌شود، در حوزه‌های فرهنگی به کار گرفته می‌شوند. آن‌ها نمایندگان را برای گروه گسترده کارشناسان در سطح اتحادیه اروپا تعیین می‌کنند که وظایفی مانند ارائه پیشنهادهای ابتکاری برای مشارکت کشورهای اروپایی با یکدیگر یا در سطح اتحادیه اروپا و در اولویت‌های شناسایی شده شورای اروپا برای کار در حوزه فرهنگ برعهده دارند (http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/european-agenda_en.htm).

OMC اولویت‌های ذیل را در دستورکار خود قرار داده است:

۱. تنوع فرهنگی و فرهنگ جامع و در دسترس برای همه؛
۲. فرهنگ و خلاقیت صنعتی؛
۳. میراث فرهنگی (تحرك مجموعه‌های میراث فرهنگی).

۳. دستورکار اول: گفت‌وگو و تنوع فرهنگی

این بخش شامل دو برنامه کلی «گفت‌وگوی بین فرهنگی» و «مهارت‌های هنری - فرهنگی و تحرك» است.

۱.۳ گفت‌وگوی بین فرهنگی در کانون توجه

گفت‌وگوهای بین فرهنگی از اولویت‌های رایج اتحادیه اروپاست. پس از اجرای موفقیت‌آمیز پروژه «سال گفت‌وگوی بین فرهنگی اتحادیه اروپا» در ۲۰۰۸، اتحادیه فعالانه در حال ادامه این روند است. سال ۲۰۰۸ مملو از پروژه‌ها، جشنواره‌ها، مباحثات، مقالات، سخنرانی‌ها، و کمپین‌های اطلاع‌رسانی بود که همگی با سه هدف ذیل سامان یافتند:

۱. ارتقای سطح آگاهی عموم مردم در اتحادیه اروپا و فراتر از آن نیاز به گفت‌وگوهای بین فرهنگی برای کمک به وفق‌دادن بیشتر مردم برای زندگی در جهانی که روزبه‌روز پیچیده‌تر و مختلط‌تر می‌شود؛

۲. دخیل کردن عامه مردم در گفت و گوهای بین فرهنگی و نشان دادن اهمیت این امر در زندگی روزانه آنها؛

۳. برجسته کردن جایگاه گفت و گوهای بین فرهنگی در افزایش فهم و درک متقابل، نشان دادن منافع تنوع فرهنگی به منظور پرورش شهروندان فعال اروپایی، و ایجاد حس تعلق بیش تر به اروپا.

یکی از ویژگی‌های برجسته این سال مشارکت فعال و گسترده شرکای رسانه‌ای و انجمن‌های ملی، منطقه‌ای، محلی، و سایر نهادهای جامعه مدنی نظیر هماهنگ کننده اتحادیه اروپا، مسئولان ملی، منطقه‌ای، و بیش از ۱۲۰۰ عضو از شرکای جامعه مدنی اروپا بود که عامه مردم را در این برنامه‌ها درگیر و پیام‌های کلیدی این پروژه را در بین مردم منتشر می‌کرد. هم‌اکنون و به‌طور مشخص طرح‌های سه‌گانه ذیل در اولویت دستورکار «گفت و گوی بین فرهنگی اتحادیه اروپا» قرار دارد ([http://ec.europa.eu/culture/our-policy-\(development/intercultural-dialogue-in-the-spotlight_en.htm](http://ec.europa.eu/culture/our-policy-(development/intercultural-dialogue-in-the-spotlight_en.htm))

۱. فرهنگ مهاجران دوره‌گرد؛

۲. شهرهای بین فرهنگی یا گفت و گوهای بین آنها؛

۳. ایجاد بسترهای بین فرهنگی اروپایی.

۱.۱.۳ گفت و گوی بین فرهنگی و جامعه مهاجران دوره‌گرد

گنجاندن مهاجران دوره‌گرد (کولی‌ها) در اروپا: جامعه مهاجران دوره‌گرد در اروپا، که با اصطلاح «کولی‌ها» شناخته می‌شوند، با جمعیت تخمینی ده تا دوازده میلیون نفر، بزرگ‌ترین اقلیت فعلی در این اتحادیه‌اند. فقر و محرومیت اجتماعی بسیاری از آنها را تحت تأثیر خود قرار داده است. مشکلات بنیادینی مانند تعلیم و تربیت، مراقبت‌های بهداشتی، و دسترسی به بازارهای کار از جمله مسائلی است که این اقلیت با آن دست‌به‌گریبان‌اند. این قسم مشکلات، که ریشه در محرومیت اجتماعی ناشی از تعصب‌های غیرمنطقی دارد، با گفت و گوهای مناسب بین فرهنگی که بین این جمعیت از یک‌سو و مردم عامه و سیاست‌مداران از سوی دیگر صورت می‌گیرد حل‌شدنی است. این گفت و گوهای بین فرهنگی باید براساس درکی همه‌جانبه از فرهنگ، تاریخ، زبان، ارزش‌ها، و آداب و رسوم این جامعه مهاجران دوره‌گرد صورت گیرد ([http://ec.europa.eu/culture/our-policy-\(development/intercultural-dialogue/intercultural-dialogue-and-roma-culture_en.htm](http://ec.europa.eu/culture/our-policy-(development/intercultural-dialogue/intercultural-dialogue-and-roma-culture_en.htm))

۲.۱.۳ برنامه شهرهای بین فرهنگی

پروژه شهرهای بین فرهنگی، که هم‌اکنون در مرحله آزمایشی قرار دارد، یازده شهر اروپایی را پوشش داده و قرار است تا پایان سال ۲۰۱۱ به شهرهای دیگر اروپا نیز تسری یابد. این طرح، که از سوی کمیسیون و شورای اتحادیه اروپا و در آستانه سال گفت و گوی بین فرهنگی راه‌اندازی شد، سه هدف کلی را الگوی راه خود قرار داده است:

۱. برانگیختن بحث جامع و فراگیر درباره سیاست‌سازی، ایجاد رویکرد بین فرهنگی به مقوله‌های مهاجرت، انسجام، و ادغام اجتماعی؛
۲. تشویق شهرهای دخیل در پروژه به توسعه استراتژی‌های جامع بین فرهنگی برای مدیریت تنوع شهری؛
۳. عمل برای الهام‌بخشی به دیگر شهرهای اروپا.

این پروژه از طریق ارزیابی‌های کارشناسی، نظارت شهر به شهر، کارگاه‌های موضوعی، و دیگر روش‌ها به ایجاد کانونی بین فرهنگی برای سیاست‌گذاری به این شهرها کمک می‌کند. در پروژه شهرهای بین فرهنگی، تنوع به منزله هنجار و میراثی از هویت همه مردم پذیرفته شده است و به مثابه منبعی از پویایی، خلاقیت، و رشد قلمداد خواهد شد. در این شهرها، فضاهای عمومی، مدارس، خانه‌ها، محل‌های کاری، و انجمن‌های فرهنگی طوری طراحی شده اند که بتوانند مردم را قادر کنند با پیش‌زمینه‌های گوناگون فرهنگی به تعامل و ترکیب سازنده‌ای با یکدیگر برسند. در شهرهای بین فرهنگی سیاست‌مداران و رسانه‌ها نیز مردم را در ایجاد هویتی مشترک تشویق خواهند کرد (-[http://ec.europa.eu/culture/our-policy-](http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/intercultural-dialogue/intercultural-cities_en.htm)

۳.۱.۳ ایجاد بسترهای بین فرهنگی اروپایی

قسمت دیگری از دستورکار اتحادیه اروپا مربوط به تعهدی است که این اتحادیه برای گفت و گو با بخش‌های فرهنگی در کشورهای گوناگون اروپایی دارد. به منظور تضمین این امر که صدای آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ شنیده خواهد شد. این امر از دو طریق محقق می‌شود: یکی ایجاد بسترهای کاری برای انجمن‌ها و شبکه‌های اروپایی به منظور ارائه توصیه‌های سیاسی و دیگری برگزاری مجمع فرهنگی اروپایی است که هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود (-[http://ec.europa.eu/culture/our-policy-](http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/european-agenda-for-culture/involving-the-cultural-sector_en.htm)

۲.۳ مهارت‌های هنری و فرهنگی و آزادی تحرک

معاهده لیسبون آزادی جابه‌جایی برای کار و زندگی را به‌مثابه حق همه شهروندان اروپایی تأیید کرده است. برای هنرمندان و اصحاب هنر و فرهنگ، کار و فعالیت در کشورهای گوناگون برای ارتقای خلاقیت و ایجاد فرصت در جهت تولید و تبادل کالاهای فرهنگی امری حیاتی است. این مسئله خود برای ارتقای اقتصادی در اروپا و ایجاد اشتغال کاملاً ثمربخش خواهد بود. بازار کار اروپا هنگامی عملکرد مطلوب خود را نشان خواهد داد که کارگران بتوانند آزادانه بین شغل‌های متفاوت و کشورهای گوناگون جابه‌جا شوند. این وظیفه کمیسیون اروپاست که آزادی جابه‌جایی و انجام درست آن را تضمین کند. هنرمندان نیز جزئی از این بازار محسوب می‌شوند که در مقایسه با تحرک کارگران شغل‌های صنعتی با مشکلات بیش‌تری در این حوزه مواجه‌اند. قرارگرفتن این موضوع در یکی از دستورکارهای مهم اتحادیه برای رفع این مشکل است. در این خصوص، شورای «برنامه کار برای فرهنگ (۲۰۰۸-۲۰۱۰)» بهبود شرایط تحرک و جابه‌جایی هنرمندان و دیگر افراد دخیل در شغل‌های هنری را در اولویت خود قرار داد. این شورا افزایش تسهیل در جابه‌جایی، تمرکز بر مشارکت خلاق، و کسب و توسعه مهارت‌ها و صلاحیت‌ها را نیز دستورکار فعلی خود (۲۰۱۱-۲۰۱۴) قرار داده است (http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/skills-mobility_en.htm).

۴. فرهنگ به‌منزله عاملی تسهیل‌بخش در حوزه خلاقیت و نوآوری

این قسمت نیز شامل سه بخش کلی «صنایع خلاق و فرهنگی»، «فرهنگ و توسعه منطقه‌ای»، و «میراث فرهنگی» است.

۱.۴ صنایع خلاق و فرهنگی

در سال‌های اخیر، شناخت و آگاهی از اهمیت صنایع خلاق و واجد مؤلفه‌های فرهنگی در اروپا افزایش یافته است. امروزه حرفه‌های فرهنگی مانند معماری، آرشیو و کتاب‌خانه، صنایع دستی، هنرهای سمعی و بصری (مانند فیلم، محصولات تلویزیونی، بازی‌های ویدئویی، و محصولات چندرسانه‌ای)، میراث فرهنگی، طراحی، جشنواره‌ها، هنرهای نمایشی، انتشارات، رادیو، و هنرهای تجسمی در بالاترین درجه از نظر ایجاد تنوع فرهنگی و پویایی

اقتصادی در اتحادیه اروپا قرار دارند. این حرفه‌های هنری سالانه میلیون‌ها نفر را در کل اروپا به استخدام خود درمی‌آورند و نقش قابل ملاحظه‌ای در افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) اتحادیه اروپا دارند. حرفه‌ها و صنایع خلاق و فرهنگی علاوه بر این که به مثابه اهرمی عمل می‌کنند که انسجام اجتماعی و سرزمینی را حفظ می‌کنند، پیش‌برنده خلاقیت و نوآوری‌اند و در حالت کلی بر دیگر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر مثبتی دارند.

در هر صورت، این صنعت امروزه با تغییرات گسترده در حوزه‌های فناوری‌های جدید و جهانی شدن مواجه شده است که برای آن به‌طور هم‌زمان چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی به‌ارمغان آورده است. علاوه بر این، تجارت در این بخش، به‌خصوص در بنگاه‌های کوچک با مشکلات بیش‌تری مواجه است که مانع تحقق تمام پتانسیل‌های آن‌ها می‌شود. بحران اقتصادی کنونی نیز تأثیر منفی بیش‌تری در آن‌ها گذاشت و دسترسی آن‌ها را به منابعی که با آن بتوانند مشکلات مالی فعالیت‌های خود را رفع کنند و با محیط جدید تطابق یابند سخت‌تر از قبل کرده است (-http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/cultural-and-creative-industries_en.htm).

به‌منظور درک بهتر نیازهای ویژه این‌گونه صنعت‌های کارآفرین، کمیسیون اروپا دستورالعملی را با عنوان «گزارش سبز» (green paper) در آوریل ۲۰۱۰ منتشر کرده است که در آن بر مشارکت افراد و سازمان‌ها در این مورد در سراسر اروپا تأکید شده است. این دستورالعمل، که به‌منزله قسمتی از دستورکار اتحادیه اروپا منتشر شده است، به الزامات محیطی خلاق برای ایجاد صنایع فرهنگی مولد می‌پردازد و به شرایط و پیش‌نیازهای لازم برای فعال کردن ظرفیت‌های بالقوه این‌گونه حرفه‌ها در اتحادیه اروپا اشاره می‌کند. علاوه بر این، به‌منزله بخشی از اجرای دستورکار اتحادیه اروپا برای فرهنگ، و به‌طور مشخص در این حوزه مورد بحث، از سال ۲۰۰۸ گروهی از کارشناسان از کشورهای گوناگون درباره موضوعات متنوعی در حال فعالیت‌اند. دستورالعمل آن‌ها هم‌اکنون تمرکز بر استفاده‌های راه‌بردی از برنامه‌های حمایتی اتحادیه اروپاست که شامل بودجه‌های ساختاری (۲۰۱۱)، صادرات و استراتژی‌های بین‌المللی پشتیبانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)، و اعمال مناسب مهندسی‌های مالی برای بنگاه‌ها و حرفه‌های مولد فرهنگی است (همان).

۲.۴ فرهنگ و توسعه منطقه‌ای

بسیاری از کشورها در سراسر اروپا به فرهنگ و صنایع خلاق و واجد عناصر فرهنگی به‌منزله سرمایه‌ای اساسی برای افزایش رقابت اقتصادی و جذب سرمایه نگاه می‌کنند. مثلاً

پروژه «پایتخت‌های فرهنگی اروپا» اخیراً در فرهنگ به‌منظور ایجاد شغل‌های جدید، بهبود بافت اجتماعی، و تصحیح تصویر کشورها سرمایه‌گذاری‌های موفق انجام داده است. به‌همین سبب، اتحادیه اروپا می‌تواند از فرهنگ، نه از طریق برنامه‌های صرف فرهنگی، بلکه به‌واسطه بودجه‌های سیاست انسجامی و به‌قصد تشویق رشد اقتصادی در اعضای اتحادیه اروپا و همسایگان آن حمایت کند (http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/culture-and-regional-development_en.htm). بودجه فعلی برای دوره ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در حدود شش میلیون یورو برآورد می‌شود که برای امور زیرساختی فرهنگی، میراث فرهنگی، و خدمات فرهنگی اختصاص خواهد یافت. هم‌چنین در دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ بودجه سیاست انسجامی اتحادیه اروپا با فرصت‌های مالی دیگری نیز از فرهنگ حمایت خواهد کرد. مثلاً این فرصت‌های مالی و بودجه‌ها می‌توانند در جهت کارآفرینی‌های فرهنگی، توسعه خلاقیت‌های فرهنگی، و دیجیتالی کردن محتواهای فرهنگی یا ارتقای میراث فرهنگی استفاده شوند تا خود به محور توسعه منطقه‌ای و شهری تبدیل شوند. در این زمینه، برای ایجاد حساسیت بیش‌تر در بین سیاست‌مداران ملی و منطقه‌ای، درباره اهمیت و پتانسیل فرهنگ و حرفه‌های خلاق فرهنگی در ارتقای توسعه منطقه‌ای و محلی، و برای کمک به ایجاد راهبردهای یک‌پارچه در این بخش، گروه کارشناسان کشورهای اتحادیه اروپا جامع راهنما (*Policy Handbook*) را تدوین کرده‌اند که در آن سیاست‌های جامع در این بخش به تفصیل شرح داده شده است (همان).

۵. فرهنگ به‌منزله بخشی عمده در روابط خارجی اتحادیه اروپا

۱.۵ فرهنگ و روابط خارجی

ماده ۱۵۱ معاهده لیسبون نیاز به ترویج و جوه فرهنگی در روابط بین‌الملل با کشورها و شرکای منطقه‌ای را به کشورهای اتحادیه اروپا گوش‌زد می‌کند. این ترویج و ارتقا بایستی در زمینه‌های گسترش اتحادیه و هم‌چنین مسائل تجاری بر مبنای مشارکت در نظم نوین جهانی، توسعه پایدار، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، و گفت‌گوی فرهنگ‌ها مدنظر قرار گیرد. هم‌چنین، این اصول در کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو درباره حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی نیز مندرج شده است. بنابراین، اتحادیه اروپا، به‌منزله نهادی مستقل و عضو این کنوانسیون در کنار کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به پذیرش تنوع فرهنگی در حکم عنصر اساسی و ضروری در روابط خارجی اتحادیه متعهد خواهد بود (<http://ec.europa.eu/culture/our->

policy-development/culture-in-eu-external-relations_en.htm). در همین زمینه، رئیس‌جمهور اسلونی کنفرانسی را در سیزدهم تا چهاردهم می ۲۰۰۸ در لیوبلیانا تشکیل داد. این کنفرانس، که با مشارکت نهادهای مدنی برگزار شد، فرصت بسیار مناسبی را برای سیاست‌مداران فراهم کرد تا از نزدیک با پتانسیل بخش‌های فرهنگی آشنا شوند و اهمیت آن را در روابط خارجی دریابند. هنوز و تحت ریاست اسلونی بر شورای اروپا، بر اهمیت فرهنگ در روابط خارجی تأکید می‌شود. رئیس‌جمهور فرانسه نیز، در ادامه این توسعه مثبت فرهنگ بر روابط خارجی، پیش‌نویس طرحی مبنی بر ارتقای تنوع فرهنگی و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی در روابط خارجی را به شورای امور فرهنگی ارائه کرد که در نوامبر ۲۰۰۸ و در شورای آموزش، جوانان، و فرهنگ نیز به تصویب رسید (همان).

۲.۵ فرهنگ و سیاست اروپا در قبال همسایگان

سیاست اروپایی اتحادیه در قبال همسایگان (European Neighborhood Policy/ ENP) در ۲۰۰۴، با هدف جلوگیری از ایجاد اصطکاک و مناقشات احتمالی ناشی از بزرگ‌شدن اروپا و به‌قصد تقویت رفاه، ثبات، و امنیت برای تمام همسایگان اروپا تهیه و تنظیم شد. این سیاست برای کشورهایی که از زمین و دریا با اروپا هم‌جواری دارند اعمال می‌شود. این کشورها شامل الجزایر، ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، مصر، گورجستان، اسرائیل، اردن، لبنان، لیبی، مولداوی، مراکش، سرزمین‌های اشغالی فلسطین، سوریه، تونس، و اکراین است. عنصر اساسی در سیاست همسایگی اروپا، برنامه‌عمل (ENP action plans) دوطرفه‌ای است که اتحادیه با هریک از این کشورها به‌امضا رسانیده است. این برنامه‌عمل دستورکار اصلاحات سیاسی و اقتصادی و نیز قوانین فرهنگی را پیش روی این کشورها قرار می‌دهد. هم‌چنین برنامه سیاست جامع هم‌جواری اروپایی و ابزارهای مشارکتی (European Neighborhood And Partnership Instruments/ ENPI)، که کشورهای همسایه (اروپای شرقی، قفقاز جنوبی، و کشورهای مدیترانه‌ای)، و روسیه را دربرمی‌گیرد، فرصت‌های مناسبی را در حوزه‌های فرهنگی برای این کشورها فراهم می‌آورد (<http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/culture-> and-external-relations/culture-and-european-neighbourhood-policy_en.htm).

۱.۲.۵ اتحاد برای مدیترانه

در سال‌های اخیر، فرهنگ و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی از اهمیت فزاینده‌ای در مشارکت اروپایی - مدیترانه‌ای برخوردار بوده است. یک نمونه از این برنامه‌های موفق برنامه‌های

مشترک اروپایی - مدیترانه‌ای میراث فرهنگی یا ایجاد بنیاد آنا لیند (Anna Lindh foundation) است که با هدف نزدیک کردن مردم و نهادهای دو سوی مدیترانه به یکدیگر از طریق شبکه‌هایشان تأسیس شده است. مشارکت اروپایی - مدیترانه‌ای با هدف ارتقای روابط در جولای ۲۰۰۸ و در نشست پاریس دوباره راه‌اندازی شد و در نشستی که متشکل از وزرای فرهنگ اروپایی - مدیترانه‌ای بود نیز تأیید شد. این مشارکت هم‌اکنون شامل همه ۲۷ کشور اتحادیه اروپا به‌همراه ۱۶ کشور در مدیترانه جنوبی، خاورمیانه، و بالکان شرقی است. در این خصوص و در حوزه فرهنگ، نشست وزرای فرهنگ اروپا - مدیترانه (۲۰۰۸ آتن) فرایندی را اتخاذ کرد که به تصویب طرحی با عنوان «استراتژی جدید اروپایی - مدیترانه‌ای در فرهنگ» منجر شد (همان).

این استراتژی نه تنها نقطه عطفی در حوزه فرهنگی اروپایی - مدیترانه‌ای بود، بلکه تا حد زیادی در پیاده‌سازی دستورکار کلی اتحادیه اروپا برای فرهنگ نیز مؤثر است. در همین زمینه و برای نخستین بار در سطح سیاسی دستورکاری برای ارتقای استراتژی منطقه‌ای در حوزه فرهنگ ارائه شد. به‌منظور درک عمیق نیازها، کمیسیون نیز با مشارکت کشورهای شریک، در سال ۲۰۰۹، وارد یک فرایند مشارکتی شد که در آن افکار عمومی و سازمان‌های جامعه مدنی را مورد خطاب قرار می‌داد. در این رابطه برای کشورهای جنوب مدیترانه گزارش بررسی نیازها طراحی شد (۲۰۱۰) و برای کشورهای غرب بالکان و ترکیه نیز فرایندهای مشاوره‌ای مجزا انجام شده است (همان).

در همین خصوص برنامه جامع دیگری به نام «برنامه مدا» (MEDA program) برای کشورهای مدیترانه جنوبی شامل الجزایر، قبرس، مصر، اسرائیل، اردن، لبنان، مالتا، مغرب، فلسطین، سوریه، تونس، و ترکیه نیز تدارک دیده شده است. این برنامه، که در ۱۹۹۶ شروع شد، در چهارچوب مشارکت‌های اروپایی - مدیترانه‌ای اتحادیه اروپا بود و در قالب دستورکار فرهنگی خود اهدافی مانند تقویت ثبات سیاسی و دموکراسی، بهبود خدمات اجتماعی، ارتقای تبادلات بین جوانان و همکاری‌های فرهنگی، و افزایش مبادلات بین جوامع از طریق فعالان مدنی مانند دانشگاه‌ها، نهادهای محلی، مؤسسات خصوصی، و نهادهای غیردولتی را دنبال می‌کند ([http://europa.eu/legislation_summaries/external_relations/relations with third countries/mediterranean partner_countries/r15006_en.htm](http://europa.eu/legislation_summaries/external_relations/relations_with_third_countries/mediterranean_partner_countries/r15006_en.htm)).

۲.۲.۵ شرکای شرقی

در ادامه ارتباطات کمیسیون در دسامبر ۲۰۰۸ و طی نشست ۲۰۰۹ پراگ، مشارکت کشورهای شرق اروپا در چهارچوب فعالیت‌های مشارکتی و گفت و گوهای باز و آزاد

رسمیت یافت و مقرر شد در حوزه‌های متنوعی فعالیت‌ها سامان یابد. یکی از این سطوح حوزه و سطح تماس بین مردم با یکدیگر است که پوشش‌دهنده حوزه‌های فرهنگی است و با هدف گسترش ارتباطات منطقه‌ای و مشارکت در توسعه سیاست‌های فراگیر فرهنگی و در مواردی مانند اعطای کمک‌های فنی، که در ابتدای سال ۲۰۱۰ اجرایی خواهد شد، ایجاد شده است ([http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/culture-and-external-\(relations/culture-and-european-neighbourhood-policy_en.htm](http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/culture-and-external-(relations/culture-and-european-neighbourhood-policy_en.htm)).

۳.۵ جایگاه فرهنگ در توسعه اتحادیه اروپا

تمرکز اصلی گفت‌وگوهای سیاسی کمیسیون اتحادیه با کشورهای نامزد و مستعد نامزدی در اتحادیه اروپا (کشورهای بالکان شرقی و ترکیه) حول مسائلی است که به اصطلاح «معیارهای کپنهاگ» (Copenhagen criteria) نامیده می‌شود. مواردی مانند معیارهای سیاسی و اقتصادی و همچنین تصویب معاهده ۲۰۰۵ یونسکو مبنی بر حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی از این موارد است. گرچه اتحادیه اروپا کمک‌های مالی قبل از الحاق را برای کشورهای کاندید عضویت مانند ترکیه، کرواسی، و کشورهای مستعد الحاق مانند آلبانی و بوسنی و هرزگوین و برای کمک و معرفی اصلاحات سیاسی، اقتصادی، و بنیادی لازم برای تطبیق شرایط آن‌ها با معیارهای اتحادیه اروپا را نیز تدارک دیده است. با این برنامه کمکی، فرصت‌های مناسبی نیز در حوزه فرهنگ در نظر گرفته شده است. هم‌چنین، در طرح فرهنگی (۲۰۰۷-۲۰۱۳) (درباره برنامه‌های فرهنگی اتحادیه) فرصت‌هایی برای ارتقای فضای فرهنگی اروپا برای مشارکت کشورهای بالقوه و کاندیدای عضویت در اتحادیه اروپا تعریف شده است. تا به امروز، ترکیه، کرواسی، یوگسلاوی سابق، مقدونیه، صربستان، و مونته‌نگرو این توافق‌نامه را امضا کرده‌اند و مشارکت آن‌ها در این طرح فرهنگی در حال شکل‌گیری است. در این خصوص مذاکرات با آلبانی و بوسنی و هرزگوین نیز در حال اجراست ([http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/culture-and-external-\(relations/culture-and-eu-enlargement_en.htm](http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/culture-and-external-(relations/culture-and-eu-enlargement_en.htm)

۴.۵ فرهنگ برای توسعه

شورای اروپا و کشورهای عضو آن براساس ماده ۲۷ موافقت‌نامه همکاری کتونو، برنامه‌های مهمی را برای حمایت از فرهنگ در کشورهای موسوم به ACP (کشورهای

افریقا، حوزه کارائیب، و مدیترانه) در دستورکار قرار داده‌اند. این توافق‌نامه شامل ایجاد یک چهارچوب جامع همکاری‌های فرهنگی است که بازه وسیعی از جریان اصلی فرهنگ در فعالیت‌های توسعه‌ای تا ارتقای گفت‌وگوهای بین فرهنگی، حفاظت از میراث فرهنگی، حمایت از صنایع فرهنگی، و بهبود دسترسی بازارهای اروپایی به صنایع دستی و خدماتی کشورهای ACP را دربرمی‌گیرد. مطابق دهمین بودجه توسعه اتحادیه اروپا، شورای اروپا نیز سی میلیون یورو برای بودجه‌های فرهنگی اتحادیه اروپا و کشورهای ACP پیش‌نهاد داد. این بودجه در ابتدا به قصد حمایت از توزیع محصولات و کارهای هنری کشورهای ACP و همچنین تولید و تشویق آن‌ها به حضور و بروز بیشتر در بازارها و صنایع محلی و منطقه‌ای صورت گرفته است (http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/culture-for-development_en.htm). جدای از این سه دستورکار عمده، پروژه‌های دیگری در حوزه فرهنگ در حال انجام است؛ طرح فرهنگی (۲۰۱۳-۲۰۰۷) طرح بزرگ پایتخت‌های فرهنگی اروپا، روز میراث فرهنگی اروپا، و طرح خدمات آموزشی اراسموس از مهم‌ترین آن‌هاست.

۱.۴.۵ طرح فرهنگی (۲۰۱۳-۲۰۰۷): سرمایه‌گذاری هدف‌مند در فرهنگ

طرح فرهنگی (۲۰۱۳-۲۰۰۷) از دیگر پروژه‌های فرهنگی است که بودجه‌ای ۴۰۰ میلیون یورویی برای برنامه‌ها و طرح‌ها، درخصوص گرامی‌داشت تنوع فرهنگی اتحادیه اروپا و ارتقای میراث بین فرهنگی از طریق توسعه مشارکت فرامرزی کارگزاران و مؤسسات فرهنگی، در نظر گرفته است. این طرح نیز سه هدف عمده را مدنظر قرار داده است. اول، ارتقا و تحرک فعالیت‌هایی که در حوزه فرهنگ صورت می‌گیرد؛ دوم، تشویق گردش فرامرزی محصولات با محتوای فرهنگی؛ سوم، ترویج گفت‌وگوهای بین فرهنگی. برای تحقق این اهداف، این طرح از سه رشته فعالیت‌ها به‌طور مشخص حمایت می‌کند که شامل ۱. حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی، ۲. حمایت از نهادهای فرهنگی در سطح اتحادیه اروپا، و ۳. حمایت از سیاست‌های تحلیلی و فعالیت‌های توزیع اطلاعات است.

۱.۱.۴.۵ حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی

فعالیت‌ها در این بخش گستره وسیعی از سازمان‌های فرهنگی از کشورهای گوناگون را قادر می‌سازد تا در پروژه‌های هنری و فرهنگی مشارکت کنند. فعالیت‌ها در این حوزه شامل سه دسته مشخص می‌شود:

۱. پروژه‌های مشارکتی چندساله: شامل طرح‌های سه تا پنج‌ساله؛

۲. اقدامات مشارکتی: طرح‌های تا حداکثر دو سال؛
۳. اقدامات ویژه: شامل آن دسته از فعالیت‌ها و طرح‌هایی است که از منظر حوزه و مقیاس تحت پوشش از اهمیت بالایی برخوردار است.
- برنامه‌هایی نظیر جشن‌واره‌های اروپایی و طرح پایتخت‌های فرهنگی اروپا در دسته یادشده قرار می‌گیرند.

۲.۱.۴.۵ حمایت از نهادهای فرهنگی در سطح اتحادیه اروپا

در این سطح، از نهادهای فرهنگی حوزه اروپا حمایت می‌شود. این نهادها تشویق‌کننده مبادلات بین سازمان‌های فرهنگی در کشورهای گوناگون اروپایی است، نیازهای جوامع هنری اروپایی را شناسایی می‌کند، در مناظرات عمومی با محتوای فرهنگی شرکت می‌کند، و به‌مثابه سفرای فرهنگی اروپا عمل می‌کند.

۳.۱.۴.۵ حمایت از سیاست‌های تحلیلی و فعالیت‌های توزیع اطلاعات

این حوزه از فعالیت‌های تحلیل داده و انتشار اطلاعات برای افزایش آگاهی از برنامه‌های فرهنگی و فعالیت‌های مربوطه حمایت می‌کند. نخستین تمرکز در این حوزه نیز بر تحلیل‌هایی در محور مشارکت فرهنگی و توسعه سیاسی است. در این سطح، از سازمان‌های عمومی یا مؤسسات خصوصی‌ای حمایت می‌شود که تجربه مستقیم و کاربردی در تحلیل و ارزش‌یابی تأثیر سیاست‌های فرهنگی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی، یا در سطح اروپا دارند. این سیاست‌ها بایستی درباره یک یا بیش‌تر از سه دستورکار کلی اتحادیه اروپا برای فرهنگ باشد ([http://ec.europa.eu/culture/our-programmes-and-actions/culture-programme-\(2007-2013\)_en.htm](http://ec.europa.eu/culture/our-programmes-and-actions/culture-programme-(2007-2013)_en.htm)).

۲.۴.۵ طرح بزرگ پایتخت‌های فرهنگی اروپا

رویداد انتخاب یک شهر در جایگاه پایتخت فرهنگی اروپا از ۱۹۸۵ آغاز شد. این طرح امروزه مهم‌ترین و معتبرترین واقعه فرهنگی در سطح اروپا محسوب می‌شود. تاکنون نیز چهل شهر از ژنو، استکهلم، و آتن گرفته تا کراکو، پورتو، و ... به این نام ملقب شده‌اند. این شهرها صرفاً به‌سبب خصایص منحصربه‌فرد شایسته دریافت این نام نبودند و بیش‌تر برنامه‌هایی که برای آن سال قصد انجام آن را دارند در این انتخاب دخیل است. این شهرها باید واجد معیارهای خاصی نیز باشند.

به‌طور کلی، این طرح با اهدافی مانند برجسته‌کردن تنوع و غنای فرهنگ اروپایی، تجلیل از روابط و ارتباطات فرهنگی که اروپاییان را کنار یک‌دیگر نگه می‌دارد، تماس بیش‌تر اروپایی‌ها با یک‌دیگر به‌قصد ارتقای فهم دوجانبه شهروندان اروپایی از هم‌دیگر، و پرورش و ترویج احساس «شهروند اروپایی» در بین مردمان کشورهای گوناگون اروپایی ابداع شد. علاوه‌بر این اهداف، تحقیقات نشان داده است که این رویداد فرصت ارزش‌مندی برای سرزنده‌نگه‌داشتن زندگی فرهنگی، افزایش موقعیت‌های گردش‌گری، ارتقا و ایجاد تصویر بین‌المللی از یک شهر در منظر شهروندان همان شهر، و احیای شهرهاست. گفتنی است که فقط شورای اتحادیه اروپا صلاحیت تفویض این عنوان را دارد و از سال ۲۰۱۱ نیز هر ساله دو شهر از دو کشور مختلف اتحادیه اروپا به این نام ملقب می‌شوند ([http://ec.europa.eu/culture/our-programmes-and-actions/capitals/european-capitals-\(of-culture_en.htm](http://ec.europa.eu/culture/our-programmes-and-actions/capitals/european-capitals-(of-culture_en.htm)).

۳.۴.۵ روز میراث فرهنگی اروپا: فرصتی برای بازدید ابنیه‌های تاریخی

در قالب این پروژه، هر ساله نزدیک به بیست میلیون نفر از دسترسی به ابنیه‌های تاریخی که کم‌تر در معرض مشاهده عموم بوده است لذت می‌برند. این طرح، که از سال ۱۹۸۵ شروع شده است، از سال ۱۹۹۹ به‌منزله ابتکار عمل مشترک شورا و اتحادیه اروپا برگزار می‌شود. این رویداد مهم اروپایی در سپتامبر هر سال و با عنوان روز میراث فرهنگی اروپا برگزار و به‌دست دولت‌های محلی هدایت می‌شود.

این رویداد فرهنگی فقط به‌سبب نمایش سایت‌های تاریخی بسته به روی عامه مردم اهمیت ندارد، بلکه از آن‌رو اهمیت شایان توجهی دارد که فرصت منحصربه‌فردی را در اختیار عموم مردم می‌گذارد تا در واقعه فرهنگی ای شرکت کنند که در آن سنت‌های محلی، معماری، و صنایع‌دستی در معرض عموم قرار می‌گیرد. هر ساله، در این روز، هر کشوری فعالیت‌های خود را به‌تناسب بر یک موضوع خاص متمرکز می‌کند؛ این موضوعات می‌تواند شامل مواردی نظیر اشکال خاصی از میراث فرهنگی مانند خانه‌های بومیان، ابزارهای موسیقی، و معماری‌های باغ و بوستان تا بررسی و نمایش دوره مشخصی از تاریخ مانند میراث فرهنگی دوره قرن هیجدهم یا قرون وسطی باشد. این موضوعات درحقیقت کشورهای گوناگون را گرد هم می‌آورد تا ابعاد اروپایی یک واقعه برجسته شود و در نتیجه آگاهی جمعی افزایش یابد. از سال ۱۹۹۹ نیز شعار «اروپا: میراث مشترک» پیش‌خوان دائمی این روز شده است.

(http://ec.europa.eu/culture/our-programmes-and-actions/heritage-days/european-heritage-days_en.htm). برای این طرح اهداف ذیل متصور است:

- افزایش آگاهی شهروندان اروپایی از غنا و تنوع فرهنگی کشورهای اروپایی؛
- برانگیختن احساس قدردانی از تنوع غنی فرهنگ‌های اروپایی؛
- مقابله با نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی و تشویق تساهل و مدارا در اروپا و همچنین فراتر از مرزهای ملی کشورها؛
- تأکید بر نیاز حفاظت از میراث فرهنگی در مقابل تهدیدها؛
- دعوت از اروپا برای جواب‌گویی و پذیرفتن مسئولیت در برابر چالش‌های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی‌ای که با آن مواجه است (همان).

۴.۴.۵ طرح خدمات آموزشی اراسموس

طرح ارائه خدمات آموزشی اراسموس نوعی برنامه تبادل دانشجویی است که در ۱۹۸۷ ایجاد شد. عنوان این پروژه برگرفته از نام فیلسوف هلندی دزیدروس اراسموس (Desiderius Erasmus) است. او، در جایگاه شخصیتی عالم و دانشمند، در اروپا به گسترش علم و مبارزه با تعصبات و جهل و نادانی می‌پرداخت و در نهایت سرمایه خود را نیز در یکی از دانشگاه‌های سوئیس صرف گسترش علم کرد. هم‌زمان این پروژه به نام «طرح اقدام جامعه اروپا برای تحرک دانشجویان دانشگاهی» (European Community Action Scheme for the Mobility of University Students) نیز شناخته می‌شود. این برنامه، که شکل‌دهنده پروژه بزرگ‌تر اروپایی معروف به «برنامه آموزش مادام‌العمر» (Lifelong Learning Program 2007-2013) است، در چهارچوب طرح اجرایی کمیسیون اتحادیه اروپا در جهت ایجاد تسهیلات و موقعیت‌های آموزشی برای تحصیلات بالاتر قرار می‌گیرد. به‌منظور گسترش آموزش اروپا برنامه اراسموس موندوس تدارک دیده شد که امکان ادامه تحصیل در اروپا را برای غیراروپایی‌ها نیز میسر می‌کند ([http://en.wikipedia.org/wiki/Erasmus_Programme_2007.E2.80.932013](http://en.wikipedia.org/wiki/Erasmus_Programme#Lifelong_Learning_Programme_2007.E2.80.932013)). در این برنامه، که دوره‌ای سه‌ماهه در حکم حداقل دوره مقدماتی شناسایی شده است (<http://www.erasmusprogramme.com>)، نزدیک به سه میلیون دانشجو به‌همراه سی صد هزار استاد و دیگر افراد با تحصیلات عالی رتبه شرکت کرده‌اند. بودجه سالانه این طرح بیش از ۴۵۰ میلیون یورو است (<http://ec.europa.eu/education>) که برای دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در اروپا (به‌همراه پرداخت هزینه‌های تحصیلی)

و هم‌چنین مشارکت با مؤسسات غیراروپایی آموزش عالی تخصیص می‌یابد (<http://ec.europa.eu/education>). طرح اراسموس با بیش از چهار هزار مؤسسه آموزش عالی از ۳۳ کشور مشارکت دارد که این مؤسسات برای احراز صلاحیت میزبانی این پروژه بایستی «منشور دانشگاهی اراسموس» را داشته باشند. این منشور به قصد تضمین کیفیت این دوره با تعیین اصول پایه‌ای وضع شده است. در این زمینه، کمیسیون اتحادیه اروپا برای اجرای کلی برنامه‌ها، ایجاد هماهنگی‌های فرهنگی آموزشی، و فعالیت‌های مربوطه مسئولیت مشخص دارد (همان).

۶. سایر برنامه‌ها

جنبه دیگری از دیپلماسی عمومی و فرهنگی اتحادیه اروپا را می‌توان تلاش برای اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی، و برقراری ارتباط درازمدت با مخاطبان نام‌گذار. این جنبه از دیپلماسی اتحادیه، که غالباً از سوی نمایندگی‌ها در خارج از کشور دنبال می‌شود، با هدف معرفی اتحادیه و افزایش شناخت از آن و نیز تأثیرگذاری غیرمستقیم در هنجارها و ارزش‌های جامعه هدف به اجرا درمی‌آید. تلاش‌های اتحادیه در این زمینه به تسهیل ارتباط بین افراد و مؤسسات اتحادیه با طرف‌های خارجی منجر می‌شود و به‌طور غیرمستقیم در گفتمان مخاطبان تأثیر می‌گذارد. در جریان این ارتباطات، ساختارهای تعامل درازمدت به‌طور غیرمحسوس ایجاد می‌شود و شناخت از اتحادیه و هم‌راهی با ارزش‌های آن تقویت می‌شود و توسعه هنجارها محقق می‌شود. در این چهارچوب برنامه‌های متنوعی از سوی اتحادیه به اجرا درمی‌آید که برخی از آن‌ها به شرح ذیل است (<http://ipis.ir/PageItem-735.aspx>):

۱.۶ برنامه بازدیدکنندگان

این برنامه فرصت دیندار از نهادهای اتحادیه اروپا و تماس مستقیم با افرادی را که تنظیم‌کننده و اجراکننده سیاست‌های اتحادیه‌اند برای جوانان مستعد کشورهای ثالث فراهم می‌کند. براساس این ابتکار مشترک کمیسیون و پارلمان اروپا هر ساله مقام‌های دولتی، رؤسای سازمان‌های غیردولتی، و اتحادیه‌های تجاری برای بازدیدهای پنج تا هشت‌روزه به بروکسل دعوت می‌شوند. اگرچه این برنامه‌ها شامل گفت‌وگو درباره موضوعات مشخص است، اما هدف اصلی آن‌ها افزایش آگاهی و درک از اتحادیه و ارزش‌های آن است. از سوی دیگر، در نتیجه این بازدیدها شبکه‌های غیررسمی از مقامات کشورهای ثالث تشکیل

می‌شود که اتحادیه می‌تواند در مواقع لزوم و نیاز از آن‌ها بهره‌برداری کند. برخی مقامات فعلی کشورهای غیرعضو از جمله شرکت‌کنندگان در این برنامه‌های (همان). در همین زمینه و در قالبی دیگر از فارغ‌التحصیلان جوان خبرنگار فعال در حوزه سیاست خارجی برای بازدید و رابطه با سیاست‌مداران اروپایی نیز دعوت می‌شود.

۲.۶ برنامه‌های دانشگاهی

در این طرح، دانشگاه‌های کشورهای ثالث تشویق می‌شوند با دعوت از برخی مقامات اتحادیه در سمت مدرس در دانشگاه خود امکان آشنایی نزدیک با اتحادیه را فراهم سازند. این اساتید در دوره‌های کوتاه‌مدت به تدریس در دانشگاه مزبور می‌پردازند (همان).

۳.۶ مسابقات دانش‌آموزی و جشنواره کودکان

در این طرح، تیم‌هایی از دانش‌آموزان دبیرستانی درباره اطلاعات اتحادیه‌ای خود به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. هدف این مسابقات سالانه افزایش آگاهی‌های عمومی از جنبه‌های گوناگون فعالیت اتحادیه است. هم‌چنین از سال ۲۰۰۸، برخی نمایندگی‌های اتحادیه و سفارت‌خانه‌های کشورهای عضو برنامه، در قالب جشنواره کودکان، تفریح منحصر به فرد و بزرگی را برای کودکان تدارک می‌بینند که در آن شخصیت‌های هنری معروف اروپایی برنامه اجرا می‌کنند (همان).

۴.۶ هفته اروپا

هر ساله در ماه می، نمایندگی‌های اتحادیه و نیز سفارت‌خانه‌های کشورهای عضو در کشورهای گوناگون با همکاری دانشگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی، و سازمان‌های فرهنگی تلاش می‌کنند با برگزاری هفته اروپا درک بهتری از اتحادیه ایجاد کنند. در این هفته، سفارت‌خانه‌های اروپایی درهای خود را به روی بازدیدکنندگان عمومی و دانش‌آموزان مدارس باز می‌کنند.

۵.۶ ویتترین فیلم

در این برنامه، فیلم‌های برجسته اروپایی از جمله برندگان جوایز جشنواره‌های فیلم در دوره زمانی مشخصی در کشورهای ثالث نمایش داده می‌شوند.

۶.۶ فضای مجازی

امروزه یکی از ملاک‌های موفقیت در برقراری ارتباطات بین‌المللی و رساندن پیام خود به مخاطبان میزان حضور در رسانه‌های اجتماعی و میزان مراجعه دیگران به این ابزارهاست. به این منظور، مقر اتحادیه و نیز نمایندگی‌های آن در کشورهای گوناگون وبسایتی است که اطلاعات کاملی را در زمینه‌های گوناگون ارائه می‌کند. وبسایت اتحادیه به آدرس <http://europa.eu> نیز حاوی اطلاعات کاملی از فعالیت‌های این نهاد به ۲۳ زبان گوناگون است. هم‌چنین در یوتیوب بخشی با عنوان EUtube ایجاد شده است که شانزده هزار مشترک دارد و به ارائه مواد تبلیغاتی درباره اتحادیه می‌پردازد. در این وبسایت مسیری نیز برای ارتباط با وبسایت رئیس کمیسیون اروپا و برخی دیگر از مقامات اتحادیه پیش‌بینی شده است. دسترسی به اطلاعات کاملی درباره اتحادیه و تاریخ آن، سخن‌رانی‌های مقامات اتحادیه، گزارش دیدار با هیئت‌های خارجی، و اطلاع از جلسات نهادهای گوناگون در قالب فیلم‌های کوتاه از این طریق ممکن است (همان).

۷. نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا متشکل از ۲۷ کشور اروپایی است که براساس پیمان ماستریخت ۱۹۹۳ تأسیس شد. پیمان لیسبون (۲۰۰۷) نیز افق جدیدی برای آینده سیاست‌های فرهنگی اتحادیه ترسیم کرده است. اتحادیه اروپا پس از تأسیس، تلاش کرد تا اهداف خود را بیش‌تر به‌واسطه اعمال قدرت نرم، از طریق هنجارسازی و جهانی کردن ارزش‌های خود به پیش‌برد و الگوی متفاوتی از رفتار بین‌المللی را نسبت به قدرت‌های دیگر از خود بروز دهد. تأکید بر هنجارهایی مانند حفظ صلح و امنیت، افزایش همکاری‌های بین‌المللی، توسعه دموکراسی، و حاکمیت قانون بر پایه ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، برابری، و آزادی از جمله این روش‌هاست که در اسناد و معاهدات اروپایی بر آن‌ها تأکید شده است. اتحادیه اروپا در نظر دارد از این ره‌گذر، در داخل اتحادیه و کشورهای عضو و در سطح بین‌الملل، مشروعیتی حاصل از قدرت نرم دست‌وپا کند تا بدین وسیله با صرف هزینه کم‌تر اهداف سیاسی خود را در داخل و خارج به‌پیش‌برد. فرهنگ و ظرفیت بالقوه آن در افزایش قدرت نرم از حوزه‌هایی است که، با توجه به سابقه تمدنی اروپا، رهبران اتحادیه به‌منزله فرصت ارزش‌مندی به آن نگاه می‌کنند.

اگر فرهنگ را به شش جزء اساسی شامل عقاید و باورها، ارزش‌ها، و هنجارها به‌منزله هسته فرهنگ و نمادها، آیین‌ها، و فناوری به‌منزله پوسته فرهنگ تقسیم کنیم، باید اذعان داشت که نگاه اروپا رجحان پوسته فرهنگ در مقایسه با هسته آن است. به‌عبارت روشن‌تر، اتحادیه

تلاش دارد به‌واسطه ایجاد هماهنگی بین نمادها و آیین‌های فرهنگ‌های متفاوت و به‌کارگیری فناوری پیشرفته در زمینه فرهنگ (مانند دیجیتالی کردن)، سیاست فرهنگی مشترکی را ایجاد کند. گفتنی است که اتحادیه به‌سبب ماهیت سکولاریستی خود و همچنین وجود فرهنگ‌ها، عقاید، و باورهای متنوع به این حقیقت پی برده است که تأکید بر هسته فرهنگ می‌تواند حساسیت‌زا باشد و نه تنها به فرایند هم‌گرایی کمک نمی‌کند، بلکه به گسست در آن نیز منجر خواهد شد. از این رو، برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا مانند گفت‌وگوهای بین فرهنگی با این روش و هدف در کانون توجه قرار گرفته‌اند. برنامه‌هایی که با هدف ارتقای سطح آگاهی عامه مردم از اهمیت و جایگاه اتحادیه اروپا سامان یافته است و در نهایت به بازتولید مفهوم «شهروند اروپایی» منجر خواهد شد. شهروندی که در مقایسه با قبل حس تعلق بیش‌تری به اتحادیه خواهد داشت. به‌عبارت دیگر، اتحادیه با ایجاد فرهنگ و هویت مشترک از طریق به‌هم‌چسباندن نقاط مشترک فرهنگی و بدون برانگیختن حساسیت آن‌ها به این فرایند سرعت می‌بخشد. با این حال، اتحادیه با مشکلات عدیده‌ای در کاربست این حوزه به‌مثابه منبعی قدرت‌آفرین نیز مواجه است.

بازشدن مرزها به روی یک‌دیگر ملت‌ها را در برابر فرهنگ‌های گوناگون قرار می‌دهد و مواجهه افتراقات فرهنگی با یک‌دیگر می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تضادها باشد. این‌چنین است که برخی از کشورهای اتحادیه در مقابل الحاق کشورهای جدید مانند ترکیه مقاومت‌های چندساله به‌عمل می‌آورند. مسئله دیگر وجود زبان‌های متنوع و مختلف است؛ چنان‌که اتحادیه با ۲۷ عضو ۲۰ زبان رسمی دارد. گرچه اتحادیه سعی در معرفی این تکثر زبانی، به‌مثابه نقطه مثبت و نشان به‌رسمیت‌شناخته‌شدن تکثر فرهنگی دارد، اما از هیچ‌کسی پوشیده نیست که سیاست‌مداران فرانسوی و آلمانی امروزه بیش از پیش از رواج زبان انگلیسی و تسلط آن بر اتحادیه و کشورهای اروپایی نگران‌اند. علاوه‌بر این‌ها، مشکلات هزینه میلیاردری سالانه بابت ترجمه متون، بیانیه‌ها، معاهدات، و سایر مکتوبات اتحادیه به زبان‌های بومی را نیز باید محاسبه کرد. افزون‌بر این مشکلات باید فرایند جهانی‌شدن، سیطره فرهنگ امریکایی، و مهم‌تر از همه بحران اقتصادی را به فهرست چالش‌های استفاده از فرهنگ اروپایی مولد قدرت نرم افزود.

کتاب‌نامه

افتخاری، اصغر (۱۳۸۶). «تغییر در فرهنگ سیاست خارجی؛ بازیابی جایگاه فرهنگ در سطوح سه‌گانه سیاست خارجی»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی، رویکردی ایرانی، تهران: الهدی.

حقیقی، رضا (۱۳۸۶). فرهنگ و دیپلماسی در آینه دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در برابر جمهوری اسلامی ایران، تهران: الهدی.

حقیقی، رضا (۱۳۸۸). «دیپلماسی عمومی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران»، <http://ipis.ir/PageItem-735.aspx>، بازیابی در ۱۴/۹/۱۳۹۶.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۶). «جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست خارجی»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی؛ رویکردی ایرانی، تهران: الهدی.

Cummings, C. Milton (2009). *Cultural Diplomacy And The United State Government: A Survey*, <<http://ics.leeds.ac.uk/papers/pmt/exhibits/1434/MCCpaper.pdf>>, Retrieved June 12, 2011.

Derrida, Jacques (1991). *L'Ature Cap*, Paris: Less Edittion de Minuite.

Gellner, Ernest (1983). *Nations And Nationalism*, Oxford: Blackwell.

Habermasss, Jurgan (1992). "Citizenship And National Identity: Some Reflections On The Future Of Europe", *Praxis International*, 12(1).

Mark, S. (2005). *A Comparative Study of the Cultural Diplomacy of Canada, New Zealand and India*, <<http://researchspace.auckland.ac.nz>>, Retrieved June 12, 2011.

Marta Ryniejska, k. (2003). *Cultural Diplomacy as a Form of International Communication*, <www.instituteforpr.org/wp-content/uploads.pdf>, Retrieved June 12, 2011.

Shore, Cris (2006). "Eu Cultural Policy And Governance Of Europe", *Cultural Analysis*, University Of Auckland.

Weiler, Joseph (1999). *The Constitution Of Europe: Do The New Clothes Have Emperors?*, Cambridge: Cambridge University Press.

http://europa.eu/legislation_summaries/external_relations/relations_with_third_countries/mediterranean_partner_countries/r15006_en.htm, Retrieved juan 3, 2012.

http://ec.europa.eu/education/external-relation-programmes/mundus_en.htm, Retrieved january 3, 2013.

http://www.erasmusprogramme.com/the_erasmus.php, Retrieved December 14, 2012.

http://ec.europa.eu/education/lifelong-learning-programme/erasmus_en.htm, Retrieved january 2, 2013

http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/intercultural-dialogue/intercultural-dialogue-and-roma-culture_en.htm, Retrieved january 6, 2012.

http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/intercultural-dialogue/intercultural-cities_en.htm, Retrieved january 6, 2012.

http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/european-agenda-for-culture/involving-the-cultural-sector_en.htm, Retrieved january 7, 2012.

http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/european-agenda_en.htm, Retrieved january 23, 2012.

http://ec.europa.eu/culture/our-policy-development/intercultural-dialogue-in-the-spotlight_en.htm, Retrieved january 4, 2012.